ادامه از صفحه اول

این تعداد زندانی زیننده نظام نیست

از طرفی در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱ یعنی حدود سه سال قبل دستورالعملی از سوی ریاست محترم قوه قضائیه با عنوان دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، صادر و در ماده یک آن آمده است: «در اجرای سیاست کلی قضائی (مصوب مقام معظم رهبری) مبنی بر حداقل استفاده از بازداشت و زندانی‌کردن اشخاص، قضات در هنگام صدور قرار تأمین، جز در موارد ضروری یا مواردی که به موجب قانون مکلف به صدور قرار بازداشت می‌باشند، از سایر قرارهای تأمین متناسب استفاده نمایند» در سه سالی که از صدور دستورالعمل ساماندهی زندانیان می‌گذرد، سالانه مسئله به گزارش آسیب‌های اجتماعی وزیر محترم کشور ۲۰۰ هزار نفر جمعه‌ا و ۱/۲۰۰ هزار نفر برخلاف سیاست‌های کلی قضائی مصوب مقام معظم رهبری و دستورالعمل کاهش زندان‌های رئیس قوه قضائیه، به وسیله قضات روانه زندان‌ها شده‌اند. برآیند ماده دو دستورالعمل ساماندهی زندانیان که مقرر می‌کند: «با توجه به کثرت متهمانی که با قرار کفاله یا وثیقه بازداشت می‌شوند» الف - صدور قرار تأمین جزای‌الامکان به نحوی انجام شود که متهم فرصت کافی برای معرفی کفیل یا توذیع وثیقه داشته باشد. ب - دادسرا زمینه اطلاع‌رسانی متهم را به خانواده و بستگان خویش برای معرفی کفیل یا توذیع وثیقه داشته باشند و در همین دستورالعمل آمده است که در صورت معرفی کفیل یا توذیع وثیقه و فراهم‌بودن موجبات پذیرش تأمین در وقت اداری یا غیراداری، دادسرائی باید ترتیبی اتخاذ کند تا متهم به زندان معرفی نشود. حال باید ضد قرار از صدور قرار تأمین چیست؟ مفتن ذیل ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌کند: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن او، تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران خسارت و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، درصورت وجود دلائل کافی، یکی از قرارهای مندرج‌نیز بعنی الذکر را به تعیین و قبول شرف با تعیین وجه التزام به شخص متهم متعهد آن است یا التزام به عدم خروج یا قول شرف با تعیین وجه التزام، التزام به معرفی نزدیک‌ترین مرکز انتظامی جهت حضور در هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام، التزام مستخدمان رسمی یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام یا موافقت متهم پس از اخذ تعهد کسر حقوق آنان، التزام به اشتراک از طریق نظارت تجهیزات الکترونیکی، اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله، اخذ وثیقه اعم از نقدی، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول و در آخر بازداشت موقت صورت گیرد». پس اگر قضات به سیاست‌های کلی قضائی مد نظر مقام معظم رهبری و دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ریاست محترم قوه قضائیه، توجه کنند. برآیند ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری با رئیس قرارها در بالا، بسیاری از افراد را نمی‌توان بازداشت کرد و مقنن راه و چاره کار دسترسی به متهم را آسان کرده است. کلمه مستخدمین رسمی کشور یا نیروهای مسلح به ترتیب بالا با تعیین وجه التزام کسر از محل حقوق آنان را می‌توان درصورتی که تحت تعقیب قرار گیرند، روانه زندان نشوند. بسیاری را ملزم کسر که از محل ماهیانه خود خارج نشوند. با صراحت بند ج ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مال منقول هم جزء وثیقه قرار می‌گیرد و امروزه سادترین اتومبیل، یعنی پراید، بالای ۲۰ میلیون تومان می‌ارزد و بسیاری از افراد را نمی‌توان در حد و سقف همین مال منقول متهمان یعنی اتومبیل او باشد. دایره قرار بازداشت موقت تنها به ۱۰ سوء محدود شده است؛ نخست اینکه آزادبودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا جابه‌جائی متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقع شود یا شهود از ادای شهادت امتناع کند. در این مورد باید در نظر گرفت، بازداشت موقت تا پایان تحقیقات مقدماتی است و وقتی دادسرا قرار مجرمیت و کیفرخواست را صادر کرد، عملا موجب پایان یافتن ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری از بین‌می‌رود و موجبی برای بقای بازداشت موقت نیست. دومین مورد از بازداشت موقت، قرار یا مخفی‌شدن متهم است که به طریق دیگری نشوان از آن جلوگیری کرد، وقتی متهمی دسترسی به خود را معرفی می‌کند عملا بند ب ماده ۲۳۸ موضوعیت پیدا نمی‌کند و سومین مورد زمانی است که آزادبودن متهم، محل نظم عمومی، موجب به اخلال جریان حق شاکی، شهود یا خانواده آنان شود. به‌هرحال از جمعیت ۶۰۰هزارنفری زندان‌ها که دوسوم آنها بی‌علت یا کیلو یک روز را در زندان می‌مانند و از ۳۰۰هزارنفر که درجمعیت کیفری در زندان مانده‌ای می‌شوند، درصد بالایی از آنان می‌توانند از امکانات قانونی کمه مانع از بازداشت متهمان می‌شود و ذکر آنها در قانون آمده و در این نوشته به آن اشاره شد، استفاده کنند پرسش این است، به چه علت قضات صادرکننده قرارهای مذکور به بازداشت، به موارد به‌گانه سیاست کلی نظام قضائی رهبری، دستورالعمل ریاست قوه قضائیه و قانون آیین دادرسی کیفری توجه نمی‌کنند؟ افزایش جمعیت زندانیان به رعایت‌نکردن مفاد ماده ۲ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها به مصوب ریاست محترم از ناحیه دادستان‌های عمومی و انقلاب شهرستان‌ها برمی‌گردد که باید بر کلیه قرارهای صادره منجر به بازداشت از سوق قضات دادسراها نظارت کرده و به تناسب قرارها و پذیرش تأمین‌های معرفی‌شده، توجه کنند تا صدور قرارهای نامتناسب با نیدرفتن به موقع تأمین، موجب زندانی‌شدن افراد نشود. مهمتر اینکه روزانه باید آمار بازداشتی‌های دادسرا را بررسی کرده و دستورات لازم را صادر کند. بخش عمده جمعیت زندان‌ها را زندانیان بمالمدت اند. محمد تشکیل می‌دهند: حال اینکه برابر ماده ۶ دستورالعمل ریاست محترم قوه قضائیه، معتادان به مواد مخدر، جز در شرایط مقرر در قانون، نباید بازداشت و به زندان معرفی شوند. درباره جرائم ناشی از تخلفات رانندگی، درصورتی‌که مقصر خدمات دارای بیمه‌نامه باشد، قضات رسیدگی‌کننده، برابر قانون بیمه اجباری صورت‌گرفته، وسایل نقلیه موتوری در مقابل خسارت ثالث، باید بیمه‌نامه را به‌عنوان وثیقه قبول کنند. به دیگر موارد که قانون‌گذار با دقت و وسواس با ذکر موارد، خواسته است متهم کمتری روانه زندان‌ها شوند و زندان تنها محل نگهداری محکومان باشد؛ به این مهم توجه می‌دهم که باید به قضات دادگاه‌ها به‌ویژه دادسرا، این مهم را توجه داد که سیاست کلی نظام، جلوگیری از فرستادن متهمان به زندان است و به کفته ریاست محترم قوه قضائیه، فردی که برای یک مرتکب خطایی شده و درحال‌حاضر دادسرا است و ندامت او نیز برایمان محرز شده، به زندان نفرستیم، درحالی‌که مجازات جایگزین نیست وجود دارد. با اجرای قانون و با این بینش طرح که به کفته رئیس قوه قضائیه زندانی زیننده زیننده جمهوری اسلامی نیست»، از جمعیت کیفری زندان‌ها بکاهیم.

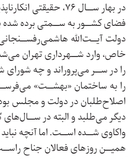

فرزانه آیینی

واقعیت این است که دست اصولگرایان در انتخابات ۹۶ خالی است از حداعتدال تا سعید جلیلی و حتی قالیباف و محسن رضایی هم نتوانسته‌اند رای قابل توجهی را در انتخابات‌های گذشته جمع‌آوری کنند که اصولگرایان بتوانند روی آن حساب رقابت‌ها خواهد شد، اما اینکه سازوکار به چه شکلی باشد، هنوز مشخص نشده است و همچنان بزرگان این طیف سیاسی کشور مشغول گفت‌وگو و رایزنی هستند. البته قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد اصولگرایان با اتلاف حداکثری وقت بازوار، رقابت‌های انتخاباتی خواهند شد.

با سوته به تجربه انتخابات ۹۲ و تعدد کاندیداها و نداشتن هماهنگی‌ها برای حصول اجماع بر سر کاندیدایی مشخص، فکر می‌کنید اصولگرایان واقعا می‌توانند این بار پس از مدت‌ها انشقاق و شقاق در لیوده‌کاهش و وحدت برسند؟

ببینید، اصولگرایان با توجه به تجربه انتخابات گذشته درصدد حصول وحدت حداکثری هستند و این‌روزها همه تلاش‌شان را برای ایجاد بین قریب‌الاتفاق جریان‌های سیاسی به چتاح راست به‌کار گرفته‌اند و به سفارش بزرگان این جریان، بایسد طیف‌های مختلف اصولگرا مصالح کلی نظام و جناح راست را بر مقاصد گروهی‌شان ترجیح دهند تا بالاخره بتوانند عقلانیت سیاسی خودشان را به منصه ظهور برسانند.

با در انتخابات گذشته هم شاهد بودیم اصولگرایان مدام شعار اجماع و اتلاف بر سر یک کاندیدا را می‌دادند، اما در نهایت طیف‌های مختلف جناح راست همچنان بر حفظ استقلال‌شان و ارائه کاندیدا تأکید داشتند و این امر به یکی از علل شکست اصولگرایان در مقابل اصلاح‌طلبان تبدیل شد؟

شرایط آن ایام با امروز بسیار متفاوت است. در آن‌روزها برخی برخوردهای محمود احمدی‌نژاد و عملکرد دولت دهم از یک‌سو و بروز و ظهور اختلافات سیاسی به دلیل برخی دلخوری‌ها در جریان اصلی جناح راست از سوی دیگر، سبب شد تا اجماع حداکثری را در جناح راست شاهد نباشیم. ضمن اینکه این در ایام چون حسن روحانی با شعار اعتدال و میانه‌روی آمده بود و سابقه فعالیت در جامعه روحانیت مبارز را هم در کارنامه خود داشت، توانست بسیاری از اصولگرایان معتدل را جذب و همراه خود کند. به‌این‌ترتیب همان‌طور که مشخص است، شکست اصولگرایان در انتخابات ۹۲ به دلیل اجماع‌نداشتن نبود و پیروزی حسن روحانی در این انتخابات هم به دلیل حمایت اصلاح‌طلبان از او نبود، چراکه روحانی حاصل بسیاری از شخصیت‌های بزرگ اصولگرا را همراه خود داشت و اگر این حمایت نبود، شاید انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شد و آن وقت نتیجه دیگری حاصل می‌شد. معتقدم اینکه اصلاح‌طلبان پیروزی روحانی در انتخابات گذشته را مصادره می‌کنند، درست نیست.

با اما فهرست واحد اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان که استفاده‌ها سال گذشته برگزار شد، نشان داد حضور اصلاح‌طلبان و حامیانشان درعرصه سیاست نتایج را به سود آنها تغییر می‌دهد؟

آن انتخابات گذشته است.

با به‌روری، شما معتقد هستید الان شرایط برای اجماع و وحدت نسبت به دو انتخابات گذشته در اردوگاه اصولگرایان بهتر شده است؟

بله معتقدم امروز زمینه‌های همدلی و وحدت در جناح راست بیشتر از گذشته است.

با به نظرتان، چه چیزی باعث شده است اصولگرایان به سمت مسیر اجماع و وحدت حداکثری گام بردارند؟

به عقیده من، در این مسیر، مقداری عملکرد ضعیف دولت فعلی و بی‌اعتنایی‌های جناح راست‌گرا به شعارهای اعتدال‌گرایی و میانه‌روی‌اش در انتخابات ۹۲ از یک‌سو و بی‌توجهی او به جریان اصولگرا از سوی دیگر، زمینه‌ساز وحدت بیشتر در جناح راست برای انتخابات ۹۶ است. متأسفانه حسن روحانی در این سه‌سال‌ونیم اخیر با وجود دوستی‌های نزدیکی که با برخی چهره‌ها و شخصیت‌های جناح راست داشت، هیچ توجهی به درخواست‌ها و پیشنهادهای آنها نداشته است و ارتباطش فقط در حد جلسات تشریفاتی و اخوانی تقلیل پیدا کرده و همین هم سبب شده است جمعی از اصولگرایان که در انتخابات گذشته رایشان را به سبد روحانی ریخته‌اند، در انتخابات آینده به فکر رقابت با او باشند.

اصولگرایان به این نتیجه رسیده‌اند اگر بخواهند در صحنه سیاسی کشور موفقیتی داشته باشند، باید در عرصه مدیریتی کشور نقش‌آفرینی کنند. با حضور در مدیریت کشور است که مردم نسبت به جریان‌های سیاسی قائل نمی‌شوند. به این معنا شرایط را رقابتی و رویش‌پذیر جناح اصولگرا این‌روزها به‌شدت به دنبال رفع برخی مشکلات و ایجاد حداکثری را رفع کنند.

درباره اتحاد و اجماع حداکثری در انتخابات پیش‌رو فکر می‌کنم مهم صورت است که این ضرورت تشخیص داده شده است و جریان‌های اصولگرا این ضرورت را با همه وجود حس کرده‌اند که باید برای رقابت با کاندیدای جریان مقابل که حسن روحانی است، تدبیر اتخاذ شد.

با نظرتان مانع اصلی اجماع و اتتلاف اصولگرایان در انتخابات گذشته چه بود و آیا هم‌اکنون رفع شده است؟

عامل اصلی، ساختار سیاسی کشور است که خیلی تشکیلاتی و حزبی نیست به این معنا که ما در کشور احزاب فراگیری نداریم و این جریان انتخابات ریاست‌جمهوری نهم در خرداد و تیر ۸۴ بیشتر جریان راست سابق حدفاصل سال‌های ۷۶ تا ۸۰، چهار انتخابات پیاپی (ریاست‌جمهوری هفتم و هشتم، شوراهای اول و مجلس ششم) را به رقیب اصلاح‌طلب خود واگذار کرد و اگر این اتفاق نمی‌افتاد شد برخی جوان‌تراهای جناح راست از خشم دوران «ریش‌سفیدان» سخن بگویند. این مسئله در انتخابات اخیر دوران دوم و مجلس هم چندان جوان‌پرانگیز نشد. زیرا در انتخابات شورای دوم، به شکلی خودخواسته از تابلو جدیدی به‌نام «آبادگران ایران اسلامی» برای چهره‌های کمترشناخته‌شده و نسبتا جوان جناح راست استفاده شد و همچنان «فرماندهٔ میدان» چهره‌هایی مانند مشایخ علی‌اکبر نائب‌الورغی و آیت‌الله مهدوی‌کنی بود. این قاعده با همان مؤلفه‌ها در انتخابات مجلس هفتم نیز به کار گرفته شد. در مورد اول، حضور کهریزک واجدان شرایط برای به‌پویزه در تهران سبب شد تا جناح اصولگرا با بسیج آرای ستون خود، گمیکی نهایی خود را

عکس: Khamenei.ir

ورود احمدی‌نژاد به شهرداری تهران، بلامویوع‌کردن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به ریاست علی‌اکبر ناطق‌نوری در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، ائتلاف انتخاباتی آن سال و دوره بعد از آن، چالش هشت‌ساله قالیباف و لاریجانی‌ها با رئیس‌جمهور موردحمایت جناح خودشان و حالا دست به دعا برداشتن برای نیامدن احمدی‌نژاد به صحنه انتخابات سال ۹۶، میزانی از تناقض و سردرگمی را نشان می‌دهد که حتی برای یک حزب نوپا هم پذیرفتنی نیست، چه برسد به جناحی که مدعی کار تشکیلاتی است! احمدی‌نژاد در اولین مانور تبلیغاتی بعد از سوم تیر ۸۴ به مجلس هفتم رفت و دست در دست ظاهرهای حداعتدال و در حلقه نیروهای ائتلاف خلق‌الساعه آبادگران ایران اسلامی، خندوبلب گفت: «به‌عنوان جوان‌ترین رقیب در عرصه حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری اتلاف خلق‌الساعه سامانه مدیریت این جناح را مخابره می‌کرد؛ یالس‌هایی که در این جریان سیاسی را گرفت و به یک قاعده تبدیل شد؛ با ذکر این نکته که تغییرات سیاسی و غیرسیاسی، شکل سنتی جناح راست را با تغییراتی مواجه کرد و آنها به نام اصولگرا، برای حوله سکه دوخت کردند.

احساس تکلیف همگانی

۱۸ خرداد ۸۰، به‌عنوان توقع انتخابات ریاست‌جمهوری هشتم تعیین شده بود. با اینکه حضور خاتمی در آن انتخابات، تکلیف را تا حد زیادی مشخص کرده بود، اما از احمد توکلی گرفته تا عبدالله جاسبی، حسن غفوری‌فرد، شهاب‌الدین صدر، علی فلاحیان و سیدمحمود کاشانی جملگی با وابستگی‌هایی به طیف‌های مختلف جناح اصولگرا، خود را نامزد رقابت با رئیس‌جمهور دوران اصلاحات کردند. اگرچه باز هم احمد توکلی به عنوان جوان‌ترین رقیب در عرصه حضور ۷۶ و ورود نسل جدید وابستگان فکری و سیاسی سامانه مدیریت این جناح را مخابره می‌کرد، یالس‌هایی که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری نهم در خرداد و تیر ۸۴ بیشتر خودسری‌های هم‌جریانی‌ها است. عطای کار تشکیلاتی رسمی را به لقای آن بیخشد و منتظر روزی بنشیند که خصوصیات کاری محمود احمدی‌نژاد، داد حامیان اصولگرای او را به آسمان بلند کند. از میان جمع‌های سیاسی بایسته‌ها، در جناح «اصولگرا» تقریبا فردی وجود نداشت که جایگاه سیاسی و تشکیلاتی ناطق یا آیت‌الله مهدوی‌کنی خود خواسته از تابلو جدیدی به‌نام «آبادگران ایران اسلامی» برای چهره‌های کمترشناخته‌شده و نسبتا جوان جناح راست استفاده کند و همچنان «فرماندهٔ میدان» چهره‌هایی مانند مشایخ علی‌اکبر ناطق‌نوری و آیت‌الله مهدوی‌کنی بود. این قاعده با همان مؤلفه‌ها در انتخابات مجلس هفتم نیز به کار گرفته شد. در مورد اول، حضور کهریزک واجدان شرایط برای به‌پویزه در تهران سبب شد تا جناح اصولگرا با بسیج آرای ستون خود، گمیکی نهایی خود را

گفتند یافت می‌نشود گشته‌ایم ما...

نگاهی گذرا به فراز و فرود انتخاب نامزد ریاست‌جمهوری در اردوگاه اصولگرایان

محمد خرسند در تشریح اوضاع اردوگاه اصولگرایان منهای احمدی‌نژاد:

قحط‌الرجال که نداریم؛ ۴۰، ۵۰ نفری کاندیدا داریم

شرایط کوچه و خیابان برای رأی‌آوری اصولگرایان مساعد است

ورود احمدی‌نژاد به شهرداری تهران، بلامویوع‌کردن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به ریاست علی‌اکبر ناطق‌نوری در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم، ائتلاف انتخاباتی آن سال و دوره بعد از آن، چالش هشت‌ساله قالیباف و لاریجانی‌ها با رئیس‌جمهور موردحمایت جناح خودشان و حالا دست به دعا برداشتن برای نیامدن احمدی‌نژاد به صحنه انتخابات سال ۹۶، میزانی از تناقض و سردرگمی را نشان می‌دهد که حتی برای یک حزب نوپا هم پذیرفتنی نیست، چه برسد به جناحی که مدعی کار تشکیلاتی است! احمدی‌نژاد در اولین مانور تبلیغاتی بعد از سوم تیر ۸۴ به مجلس هفتم رفت و دست در دست ظاهرهای حداعتدال و در حلقه نیروهای ائتلاف خلق‌الساعه آبادگران ایران اسلامی، خندوبلب گفت: «به‌عنوان جوان‌ترین رقیب در عرصه حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری اتلاف خلق‌الساعه سامانه مدیریت این جناح را مخابره می‌کرد؛ یالس‌هایی که در

وضعیت کشور به گونه‌ای است که حتی اتتلاف سه‌گانه حداعتدال، قالیباف و ولایتی، یک سال بعد از اوج‌گیری تحریم‌ها و سه‌مدیریت‌های داخلی بتواند از محبود احمدی‌نژاد دفاع کند. این سه نفر، طلایه‌داران لشکر نامزدهای اصولگرا بودند. موتلفه ناکام در انتخابات مجلس نهم، مانند امروز از نامزد اختصاصی سخن می‌کفت و نام یحیی آل‌اسحاق را پیش می‌کشید. بسیاری دیگر از اصولگرایان هم با احساس تکلیف، راهی ستاد انتخابات کشور شده بودند

با کارشناسان سیاسی می‌گویند حسن روحانی در شرایطی عهده‌دار ریاست‌جمهوری شد که از دولت قبلی خرابی‌ها و کاستی‌های بی‌شماری به جا مانده بود آنچنان که بعضا آن را با ناسامانی‌های هشت سال جنگ تحمیلی مقایسه کردند. اکنون هم صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند روحانی با توجه به اوضاع نابسامانی را که تحویل گرفته بود، خوب عمل کرد است و مردم دوباره او را حمایت خواهند کرد؟ خوب عمل کرد است و مردم دوباره او را حمایت خواهند کرد؟

من فکر می‌کنم دولت به شعارهایی که در رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۲ داد، عمل نکرده یا حداقل توفیقات زیادی درباره وعده‌هایش نداشته است. روحانی قرار بود در دور روز به اوضاع اقتصادی کشور سامان بدهد ولی نتوانست شرایط اقتصادی کشور را بهبود بخشد و رکود اقتصادی، بی‌کاری و گرانی همچنان در کشور وجود دارد. متأسفانه دولت روحانی همه مسئول را بر بحث مذاکرات هسته‌ای و برجام صرف کرد و حالا هم از برجام چیزی عاید مردم و نظام نشده و طرف غربی برای رفع تحریم‌ها کام‌های ملموسی برداشته است و گرفتاری‌های مردم همان است که بود.

با برخلاف نظر شما که برجام را نقطه ضعف عملکرد دولت روحانی دانستید، حامیان دولت از برجام و آشتی ایران با جامعه جهانی را به عنوان برگ‌برنده دولت بازدهم نام می‌برند و می‌گویند در بین این موفقیت است که مردم دوباره به حسن روحانی رای خواهند داد.

بسس این بی‌کاری، رکود اقتصادی و تورم از کجاست؟ اینکه بگویید همه تقلاش را کرده هستند، الان سه‌سال‌ونیم از روی‌کارآمدن روحانی می‌گذرد. او شرایط اقتصادی کشور و شرایطی که از مدیریت هشت‌ساله محمود احمدی‌نژاد در کشور حاکم بود را می‌دانست و کاندیدای ریاست‌جمهوری شد. پس با علم به این شرایط، از شعارها را داد. خب، اگر می‌گویید نمی‌دانست و آمد و شعار داد و رأی مردم را گرفت، جواب این است اگر نمی‌دانست چرا آمد و اگر دانست و آمد، چرا کار جدی و مؤثری انجام نداده که مردم از آمدن او پشیمان شوند. خواهم خواهان رفع مشکلات معیشتی‌شان هستند نه برجام و خُلف وعده‌های آمریکا و اروپا. روحانی باید باسخ‌گوی مردم باشد.

با به‌روری، دولت روحانی موافقانی دارد که همراهی‌شان را در انتخابات استفاده‌ها تا نشان دادند و خدان همراهی هم عامل شکست دوباره اصولگرایان از اصلاح‌طلبان شد، البته دولت مخالفانی هم‌عقیده با شما هم دارد، با این اوصاف، فکر می‌کنید شانس پیروزی روحانی برای انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری چقدر است؟

دولت الان در رأس امور اجرائی است؛ استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و هیأت‌های اجرائی را در کوشه‌وکنار کشور دارد. رئیس‌جمهور فعلی رقیبی بسیار جدی برای کاندیدای اصولگرایان خواهد بود اما بنده عنوان یک طلبه شهروند که به‌دلیل بین مردم زندگی می‌کنم، شرایط کوچه و خیابان را برای رأی‌آوری اصولگرایان مساعدتر می‌بینم.

با بسیاری از اصولگرایان محمود احمدی‌نژاد را تنها گزینه بالفعل برای رقابت با حسن روحانی می‌دانستند. با کنارگیری او از عرضه رقابت‌های انتخاباتی دربی توصیه مقام معظم رهبری، به نظرتان اصولگرایان کاندیدای بالقوه‌ای دارند که بتواند در این شرایط تهدیدی برای حسن روحانی محسوب شود؟

متأسفانه برخی نشریات وقیب جریان اصولگرایی به کوه‌ای تبدیل می‌زنند و خبرسازی می‌کنند که اتکار در وقایع اصولگرایان قحط‌الرجال شده است. اما من می‌گویم نه، خیر قحط‌الرجال نداریم. این‌طور نیست که کوینه‌ای درخور رقابت با حسن روحانی نداشته باشیم. اصولگرایان درواقع کاندیداهای متعددی دارند که در حال بررسی میزان رأی‌آوری آنها هستند و رایزنی‌هایی در حال انجام است که اختلافات دوره قبل دیگر تکرار نشود. به‌همین‌دلیل دوباره اصولگرا به دنبال سازوکاری هستند که نهایتا و در بزنگاه انتخابات بتوانند شرایط را مدیریت کنند و روش‌های مناسب به گزینه مطلوبشان برسند.

با این شخص یا اشخاص چه کسانی هستند. می‌توانید نام ببرید؟

ما در جریان اصولگرایی شایستگان بسیاری داریم و همین حالا هم که با شما صحبت می‌کنم ۴۰، ۵۰ نفری هستند که نامشان برای کاندیداتوری مطرح است. این چهار معتقدم نام کاندیدایی که مورد وفاق همه جریان‌های سیاسی اصولگرا باشد باید رسانه‌ای شود. بنابراین تا باپان رایزنی‌ها و تصمیم‌گیری‌های نهایی ترجیح بر این است اسامی اشخاص رسانه‌ای نشود. قطعا بنده در جریان اصولگرا قحط‌الرجال نیست. اگر آقای خاتمی در سال ۷۶ رئیس‌جمهور شد، کمترکسی پیش‌بینی می‌کرد او مدت‌ها مانده و همین‌طور در سال ۸۲ نیز کمترکسی باور می‌کرد محمود احمدی‌نژاد در برابر اکبر هاشمی‌رفسنجانی شانس ریاست‌جمهوری داشته باشد و همان‌طور در سال ۹۲ هم ریاست‌جمهوری حسن روحانی دور از ذهن بود. اما مردم به صحنه آمدند و پیش‌بینی‌ها را تغییر دادند. به‌همین‌دلیل هم انتخابات ۹۶ سبقه به نکاه و رأی مردم خواهد بود و کمانه‌زنی‌ها خیلی موثر نیستند.

با کارشناسان سیاسی می‌گویند حسن روحانی در شرایطی عهده‌دار ریاست‌جمهوری شد که از دولت قبلی خرابی‌ها و کاستی‌های بی‌شماری به جا مانده بود آنچنان که بعضا آن را با ناسامانی‌های هشت سال جنگ تحمیلی مقایسه کردند. اکنون هم صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند روحانی با توجه به اوضاع نابسامانی را که تحویل گرفته بود، خوب عمل کرد است و مردم دوباره او را حمایت خواهند کرد؟

من فکر می‌کنم دولت به شعارهایی که در رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۲ داد، عمل نکرده یا حداقل توفیقات زیادی درباره وعده‌هایش نداشته است. روحانی قرار بود در دور روز به اوضاع اقتصادی کشور سامان بدهد ولی نتوانست شرایط اقتصادی کشور را بهبود بخشد و رکود اقتصادی، بی‌کاری و گرانی همچنان در کشور وجود دارد. متأسفانه دولت روحانی همه مسئول را بر بحث مذاکرات هسته‌ای و برجام صرف کرد و حالا هم از برجام چیزی عاید مردم و نظام نشده و طرف غربی برای رفع تحریم‌ها کام‌های ملموسی برداشته است و گرفتاری‌های مردم همان است که بود.

با برخلاف نظر شما که برجام را نقطه ضعف عملکرد دولت روحانی دانستید، حامیان دولت از برجام و آشتی ایران با جامعه جهانی را به عنوان برگ‌برنده دولت بازدهم نام می‌برند و می‌گویند در بین این موفقیت است که مردم دوباره به حسن روحانی رای خواهند داد.

بسس این بی‌کاری، رکود اقتصادی و تورم از کجاست؟ اینکه بگویید همه تقلاش را کرده هستند، الان سه‌سال‌ونیم از روی‌کارآمدن روحانی می‌گذرد. او شرایط اقتصادی کشور و شرایطی که از مدیریت هشت‌ساله محمود احمدی‌نژاد در کشور حاکم بود را می‌دانست و کاندیدای ریاست‌جمهوری شد. پس با علم به این شرایط، از شعارها را داد. خب، اگر می‌گویید نمی‌دانست و آمد و شعار داد و رأی مردم را گرفت، جواب این است اگر نمی‌دانست چرا آمد و اگر دانست و آمد، چرا کار جدی و مؤثری انجام نداده که مردم از آمدن او پشیمان شوند. خواهم خواهان رفع مشکلات معیشتی‌شان هستند نه برجام و خُلف وعده‌های آمریکا و اروپا. روحانی باید باسخ‌گوی مردم باشد.

با به‌روری، دولت روحانی موافقانی دارد که همراهی‌شان را در انتخابات استفاده‌ها تا نشان دادند و خدان همراهی هم عامل شکست دوباره اصولگرایان از اصلاح‌طلبان شد، البته دولت مخالفانی هم‌عقیده با شما هم دارد، با این اوصاف، فکر می‌کنید شانس پیروزی روحانی برای انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری چقدر است؟

هم به دلیل ساختار سیاسی کشور است که حزب‌گرا نیست. بنابراین چون کار حزبی منسجمی وجود ندارد، احزاب و جناح‌ها در بزنگاه‌های سیاسی مانند انتخابات فعال می‌شوند و همه طیف‌های مختلف در چند ماه کاری بدون ساختار منسجم عمل می‌کنند.

از سوی دیگر هم سهم‌خواهی‌های سیاسی که در همه جریانات سیاسی وجود دارد و نمی‌توان آن را کتمان کرد. در کنار برخی تکروی‌ها و اجتهادهای سیاسی و تصمیمات نامناسب و بادآوری انتخابات تلخ گذشته، از دیگر عواملی بود که در کنار هم منجر به اجماع نداشتن اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ شد.

با کفتید باد آوری اتفاقات تلخ گذشته مانعی برای اجماع در جریان اصولگرایی در خرداد ۹۲ بود. دراین‌باره بیشتر توضیح می‌دهید؟

بهتر است اتفاقات ناخوشایند گوناگونی اتفاق افتاده‌اند که همان‌ها هم برای اصلاح‌طلبان مانع کار بودند. اما آنها توانستند در نهایت بر این کاندیدایی که اقبال بیشتری نزد مردم داشت، اجماع کنند. زمز موفقیت آنها را در چه می‌دانید؟

در جریان اصلاح‌طلب هم چیوقوف کار تشکیلاتی منسجم و دقیقی حامیان دولت از برجام و آشتی ایران با جامعه جهانی را به عنوان برگ‌برنده دولت بازدهم نام می‌برند و می‌گویند در بین این موفقیت است که مردم دوباره به حسن روحانی رای خواهند داد.

بسیار ساده‌بوش تهران بدون آنکه خود را وامدار و وابسته جناح راست بداند، از پیروزی کفتمان انقلاب اسلامی سخن گفت، اما این شیوع و نیروهای طیف‌های مختلف اصولگرا بودند که پیروزی از آن آنها بود. مؤلفه ناکام در انتخابات مجلس نهم، مانند امروز از نامزد اختصاصی سخن می‌کفت و نام یحیی آل‌اسحاق را پیش می‌کشید. بسیاری دیگر از اصولگرایان هم با احساس تکلیف، راهی ستاد انتخابات کشور شده بودند

جدانی به بایکاه رای سنتی آنان ندارد. باوجوداین، فقط محسن رضایی بود که به ایستادن و نظاردکردن تن در نداد و با حمایت برخی طیف‌های اصولگرا، به انتخابات کام نهاد. محمود احمدی‌نژاد در مناظره برخاسته خود با یکی از کاندیداها، انکشت اتهام را به سوی برخی اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز کرفت. او ایت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و شیخ‌علی‌اکبر ناطق‌نوری را به «آقازاده»هایشان و فعالیت‌های اقتصادی آنان ارجاع داده بود؛ دو شخصیتی که در مقاطع مختلف، نامزد حمایت‌شده از سوی روحانیت مبارز در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و البته از «نماد»های این تشکیلات روحانی به شمار می‌رفتند. اما «تشکیلات» جامعه روحانیت، منفعلانه مهر «سکوت» بر لب گذاشت و دو چهره ممتاز خود را در مقابل اتهامات واردشده، رها کرد؛ اتفاقی که هیچ‌کاه از ذهن ناطق و هاشمی پاک نشد که نشد. احمدی‌نژاد پیش از این هم به بهانه‌های مختلف، خود را احیاکننده کفتمان انقلاب اسلامی در سال ۸۲ و بی‌نیاز از حمایت احزاب به‌ویژه جریان اصولگرای سنتی دانسته بود و دو سال پیش از سال ۸۸، ذر خروج کابینه را به حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی، عضو دبیرکل جامعه روحانیت - نخستین وزیر کشور دولت نهم- نشان داده بود. او در هشت سال ریاست‌جمهوری به‌تدریج با سایر نزدیکان تشکیلات سنتی اصولگرا، از داوود دانش‌جعفری کرفته تا منوچهر متکی، را هم از قطار دولت پیاده کرد تا نشان دهد حلقه اطرافیانش، بسیار مهم‌تر از اصولگرایان هستند. به‌هرحال، «جامعتین» - جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم- در سال ۸۸ در تردیدی کم‌نظیر برای اعلام حمایت از رئیس دولت نهم برای انتخابات دهم قرار کرفتند. البته جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، از تشکل جامعه روحانیت، یک کام جلوتر رفت و بیانیه‌ای کوتاه را برای رسانه‌ها نمابر کرد: «پس از بررسی‌های لازم، اکثریت اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حمایت خود را از کاندیداتوری جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد اعلام نموده‌اند». آیت‌الله یزدی کمی بعدتر نشستی خبری برکزار کرد و دلیل استفاده از واژه «اکثریت اعضا» را برشمرد، چراکه یک تشکیلات یا از نامزدی حمایت می‌کند یا نمی‌کند و اینکه «اکثریت اعضا» به تصمیم، برسند به این معناست که اقلیت مخالف تصمیم همچنان وجود دارد. آیت‌الله یزدی در آن نشست، از این مسئله رمزکشایی کرد و کفت پس از چند جلسه بحث مداوم، احمدی‌نژاد همچنان نتوانسته رأی لازم برای حمایت قاطع این تشکل را به‌دست بیاورد و در نهایت بنا بر این شد که اعلام شود «اکثریت» جامعه مدرسین از احمدی‌نژاد حمایت می‌کنند. او اعلام کرد جامعه مدرسین برای تصمیم‌کیری انتخاباتی، سه رای با ح